



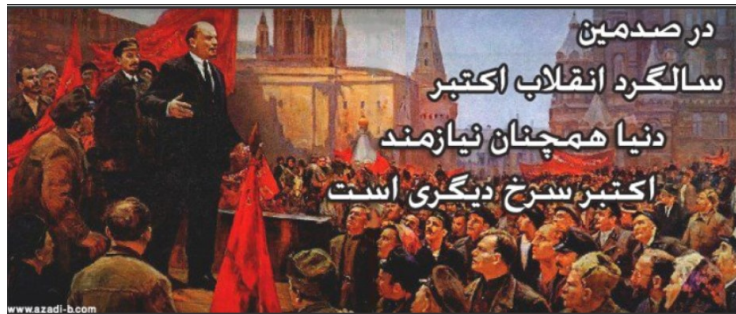
۱۷

سوسیالیسم امروز

۳۰ سپتامبر ۲۰۱۷ - ۸ مهر ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرپرست: سلام زیجی



شروع انقلاب در روسیه
و. ای. لنین

صفحه ۴

مصافها و اولویتهای حزب سوسیالیست انقلابی ایران

صفحه ۶

میخواهم به حزب سوسیالیست انقلابی پیوندم

صفحه ۸

این رژیم باید سرنگون شود!

صفحه ۹

مردمان کشورهای مختلف یا انسان های هم سرنوشت؟

صفحه ۱۳

بنیاد و شالوده دین ترس است

صفحه ۱۰

**آندسته از "اهالی شهر شاهده" در یزد بیخود میکنند که
مدرسه شاگردان "افغانی" را میبندند!**

صفحه ۵

خوشبختانه رضا شهابی به اعتصاب غذا پایان داد

صفحه ۱۲

**تصمیم "شورای امنیت" و
تهدید دولتهای جنایتکار را
محکوم میکنیم!**

صفحه ۱۱

**گزارش تصویری از فعالیتهای
تبلیغی فعالین حزب در ایران**

صفحه ۱۴

قدمهای بعدی بعد از رفراندوم در کردستان عراق کدامند؟

سلام زیجی

۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ همپرسی در کردستان عراق صورت گرفت و تمام شد. در واقع بر همگان واضح است که برگزاری این رفراندوم برای رفراندوم نبود! قرار هم نبود که رفراندومی برای معامله و بدوستان هم باشد. هدف از آن پایان دادن به یک معضل دیرینه و تحمیل شده دو بخش بورژوائی عرب و کرد به شهروندان و کارگران عرب و کرد زبان و به ویژه پایان دادن به تداوم ستم از جانب حکومتهای سرکوبگر شوینیست و اسلامی حاکم در عراق علیه شهروندان کرد زبان، و بستن پرونده یک تاریخ یکصد ساله ی از جنگ و خون ریزی بود.

اگر قدرت در دست نیروها و جریاناتی با حداقل عقل و درایت و بدور از منفعت های کور سیاسی-اقتصادی و ناسیونالیستی و نژادپرستانه میبود تا حال صد بار بود این دعوای غیر انسانی حل شده بود و پایان یافته تلقی میشد. در هر صورت، اکنون که بیشتر نیروهای راست و چپ و همچنین، هر کدام به هر دلیلی، شهروندان کردستان عراق نیز در این برهه از تاریخ و وجود تناسب قوای جدید منطقه ای به چنین موقعیتی رسیده اند که بکطرفه نیز هم شده میتوان به این روند درد آور پایان داد، باید از هر سوی متمدانه در جهت کمک به تسریع چنین امری کمک نمود. به گونه ای که به نفع کلیه شهروندان مقیم عراق و کردستان عراق بوده و به زیان عاملین این کشمکش تاریخی تمام گردد.

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



اولین موضع گیری رسمی حکومت اقلیم در ماه آوریل سال جاری به رویترز میگوید که: "رای" آری" لزوماً به معنی اعلام استقلال نخواهد بود، گویای هشدار جدی است بر سر احتمال سو استفاده از فرماندوم در جهت بدو بستن احزاب بورژوازی حاکم کورد".

به علاو من فکر میکنم بدون دادن افق و آینده روشنتر از فردای بعداز فرماندوم و استقلال کردستان عراق و تلاش برای تحقق آن، نمیتوان به پایان یافتن درد و رنج و محنت و کشمکش درد آور طولانی مدت شهروندان کرد زبان کردستان عراق زیاد امیدوار بود.

این درست است که مسئله محوری استقلال برای پایان دادن به یک کشمکش و ستم ملی تاریخی است. اما به صرف گفتن این واقعیت به تنهای نمی تواند مبنای تحرک و صف آرائی درست و پایداری برای بسیج نیروی فعال پیشرو برای تضمین کسب یک استقلال متکی به آینده بهتر باشد. بلاخره باید از روز بعداز استقلال زندگی انسانهای بیشماری را بتوان در بعد اجتماعی ترسیم نمود و برایش نیرو جمع کرد. این کار، کار سوسیالیستها و انسانهای اهل فکر کردن روی زندگی مادی، معنوی و پیشرفت تمدن بشری است نه کسی که جز "بژی کورد" (زنده باد کورد) انگیزه و حرف و آینده دیگری ندارد. صرف لباس کردی و کلاش پوشیدن و به زبان مادری خواندن و نوشتن، که اینرا نیز همه داشته اند

همچنانکه پیشتر نیز ما به روشنی یاد آور شده بودیم، اکنون بیش از هر زمانی این واقعیت عیان تر میشود که چگونگی پاسخ دادن اصولی به خواست بر حق فرماندوم شهروندان مقیم کردستان عراق و همینطور چگونگی پاسخ قاطع دادن و خنثی کردن فشارها و تهدیدهای نظامی جنایتکارانه از سوی امثال عبادی و دولتهای همپیمان اسلامی ایران و ترکیه نیز اساساً به این گره خورده است که فرمان قطار اجرا کردن فرماندوم و آینده آن در دست چه نیروی قرار دارد!

از چندین ماه پیش ضمن دفاع از حق بدون چون و چرای فرماندوم برای استقلال کردستان عراق به این واقعیتها نیز تاکید کرده بودم که نباید به احزاب حاکم امید بست و صرفاً به آنها اتکاه نمود برای به سر انجام رساندن پروسه و هدف از فرماندوم! همان زمان تذکر دادیم که: "توجه به عمق اهدام و سیاستهای که در پوشش "فرماندم" و یا "استقلال" دنبال میشود و جدا کردن صف و مطالبه خود به عنوان نیروهای چپ و کمونیست و آزادیخوا از آنچه که "حکومت اقلیم" یا دولتهای سرکوبگر منطقه در این زمینه دنبال می کنند بسیار حیاطی است". و تاکید کرده بودیم: "واقعیت این است هر کدام با اهداف و افق و دورنمای متفاوتی به پای "فرماندوم" و "استقلال" میرویم". یاد آور شدیم که "وقتی هوشیار زیباری مقام ارشد کردستان عراق در

از منظر شهروندانی که پای صندوقهای رای رفتند برگزاری فرماندم برای چنین هدفی صورت گرفته است. اگر چنین است، قدمهای بعدی رسیدن به چنین هدفی کدامند؟ چه زمانی استقلال اعلام میشود؟ محتوای آن چیست؟ آینده آزادیها و زندگی و امنیت و رفاه در کشور جدید کردستان بعداز پایان یافتن کشمکش با دولت عراق چگونه خواهد بود؟ آیا میتوان به احزاب حاکم در کردستان عراق در این پروسه اعتماد نمود؟ آیا نباید در این مسیر جنبش کارگری، جنبش آزادیخواهی، سوسیالیستها، چپها و سکولارها دارای صف و طرح متفاوت و مستقل و روشنی تری باشند؟ و...؟

اما با پایان فرماندوم و خوابیدن تب و تاب آن بنظر می رسد تردیدها و نگرانیها و سوالات جدی، به ویژه بعداز سخنان مسعود بارزانی و دیگر مقامات اقلیم کردستان که گفته اند فرماندوم برای "گشودن باب دیالوگ است" و در باره "غیرالزامی بودن نتیجه فرماندم" در چند روز بعداز پایان فرماندوم چندین بار تاکید نموده اند، بیش از پیش دارد در کنار نگرانی از تهدیدهای دولتهای منطقه و مرز و فرودگاه بستنها، به نگرانی واقعی شهروندان حول چنین ادعاهای از جانب کسانی که "رهبری" فرماندوم و به "مردم خود" خیانت نمیکند" را در دست داشت هر روز بیشتر میگردد.

تماس با حزب

Iransocialist2017@
gmail.com

Www.simroz.org

تماس با حزب

۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶

۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حداقل در نزدیک به ۳۰ سال اخیر در کردستان عراق، کافی نیست برای پاسخگویی واقعیت‌های زندگی مادی و معنوی یک جامعه طبقاتی و معترض در کردستان عراق و منطقه.

گفتیم که اعلام پایان یک جدال تاریخی حل نشده ملی هدف اصلی فراندوم برای استقلال می‌تواند باشد، اما سکوت کردن در قبال اینکه آینده زندگی بعد از این فراندوم و استقلال باید چگونه باشد، چه چیزی نسب کارگر و زن و شهروند تشنه آزادی و رفاه خواهد شد برای نیروها و جنبش‌های که خود را سوسیالیست و کارگری و مترقی و سکولار می‌دانند به هیچ وجه مجاز نیست. سکوت در مقابل این واقعیت‌های زندگی اجتماعی تسلیم شدن در مقابل طرح ناسیونالیستی حل مسئله کرد به نفع بورژوازی در کردستان عراق است. طرح و نقش چپ علاوه بر مسئله کشمکش ملی باید متکی به دادن افق و تفاوتها و آینده روشنتر و مدرنتر و پیشرفته تر از داده‌ها و الگوهای باشد که قریب به ۳۰ سال است در کردستان عراق اکثریت شهروندان با گوشت و پوست و خون خود تجربه کرده‌اند و در این تجربه تلخ به دست همین حکومت اقلیم که کردزبان و مستقل هم بوده است بارها به خاطر آزادیهای سیاسی و مطالبه برحق شان کشته داده‌اند و ترور و نابود شده‌اند.

نه تنها در عراق که اکثر نیروهای چپ ایرانی حامی استقلال نیز آشکارا سیاست نادرستی در دفاع از استقلال و آینده‌ای که باید داشت بدست داده‌اند. اینها و شخصیت‌هایشان لال و کر شده‌اند در مقابل حقایق که اشاره کردم، به مفسران و مدافعین جناح چپ ناسیونالیسم تبدیل شده‌اند. اما همزمان و در مقابل بخش دیگری از چپ از موضع نگاه غیر سیاسی و غیر مسئولانه اش به این کشمکش واقعی،

به جای درک اوضاع و توان پاسخ دادن درست به آن راحت آنرا "طرح امریکائی حل مسئله کرد" نامیده یا بخشاً کلا قید آنرا زده‌اند و همه چیز را به "انقلاب سوسیالیستی" حواله می‌دهند. این نوع موضع گیری‌های به ظاهر "رادیکال" دقیقاً آنسوی سکه‌ی همان نگاه پوپولیستی و دنباله روانه چپ ناسیونالیستی و "غیر طبقاتی" است از طرح‌های ناسیونالیستی در پاسخ به حل این جدال و آینده شهروندان مقیم کردستان عراق.

چنانچه نظام آتی کشور تازه مستقل کردستان عراق اگر متکی بر یک نظام غیر قومی و غیر دینی نباشد، اگر جامعه را با این توقعات و واقعیتها آشنا نکنیم که آینده کردستان مستقل باید به معنی آزادی بیشتر شهروندان و پایان دادن به سیستم حاکمیتی شبیه عشیرتی تا کنونی باشد و غیره اوضاع زندگی همین مردم هیچ فرقی با زندگی شهروندان با دوره حاضر نخواهد داشت!

تأمین این حداقلها از توقع و چشم انداز آینده بهتر در بستر همین روند استقلال مستلزم به میدان آمدن بلفعل جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و فراهم کردن همکاری و هم سرنوشتی کلیه نیروهای چپ و مترقی و کارگری و طرح خواستها و افق روشنی است که تحت لوای شعار "استقلال و فراندوم" باید بر افراشته گردد!

در ضمن این می‌تواند مهمترین راه ممانعت از بهره‌گیری از بازی کردن به کارت ستم ملی و "فراندوم" و استقلال "کردها" از جانب احزاب حاکم و ستمگر کنونی، از جمله در کردستان عراق باشد. و همینطور چنین سیاستی مناسبترین شکل بسیج جامعه به منظور مسدود کردن نقش مخرب دولتهای چون ایران ترکیه و بقیه است. ما که قرار نیست یک کشور جدید متکی بر احساسات صرف عقب مانده ملی-ناسیونالیستی بنا نهیم، بر عکس قرار است از دست همین سم جدال ملی و فیل هو کردنهای

نژادپرستانه و قومی خلاصی یابیم و یک کشور بدور از این دعوایها و غرورها و احساسات کوری که ما را از دیدن دنیای از حقایق و نابرابریهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تحمیل شده از سوی سرمایه داران و مافیایها ی "هم وطن" و هم زبان" نابینا میکند بنیاد بگذاریم. اگر چنین هدفی داریم از همین امروز باید شروع کنیم تا حداقل سرنوشت آینده کردستان مستقل باز به دست کارتلها و سرمایه داران میلیاردر و شیوخ و شکم سیرهای ظالم کرد رقم نخورد.

چکار باید کرد؟

اول: اعلام کمینی علیه ادعای صورت گرفته علیه "رهبری حکومت اقلیم" که مدعی است "فراندوم التزام عملی ندارد" و اعلام تاریخی، حداکثر تا یک یا دو ماه آینده برای اعلام عملی استقلال کردستان عراق.

دوم: اعلام اینکه نفس فراندوم و استقلال نباید به بهانه دعوا بر سر کشمکش طولانی مدت بر سر مناطق مورد اختلاف و معامله و بد ویستن بر سر آن به تاخیر بیافتد و حق رای شهروندان نادیده گرفته شود.

سوم: اعلام اینکه با اعلام رسمی استقلال باید احزاب حاکم فوری از قدرت کنار رفته و راه برای انتخابات آزاد و بدون قید و شرط با اختصاص برابر امکانات اقتصادی و مدیای برای همه جریانات تضمین گردد. تاکید و اعلام اینکه حکومت آتی کشور مستقل باید یک نظام غیر قومی و غیر مذهبی باشد، یک رکن مهم جریان چپ و آزادیخواه و سکولار است که لازم است با صدائی رسا بر آن پای فشاری نمود.

تحقق سیاست فوق لازمه اجرای کردن این نکات است:

۱- اعلام پایان کار "کمیته فراندوم" "حکومت اقلیم" و منحل کردن آن ۲- اعلام پایان دخالت احزاب حاکم در چگونگی اجرا کردن نتایج فراندوم و سپردن آن به دست نمایندگان منتخب

شهروندان که فراندوم را ممکن کردند. و درخواست برگزار انتخاباتی برای انتخاب یک شورای رهبری یا کمیته سراسری منتخ مستقیم کلیه شهروندان برای پیشبرد این امر مهم ۳- ملزم بودن همه نیروها و احزاب به تبعیت از تصمیمات این ارگان منتخب که مسئولیت دوره انتقالی تا تشکیل دولت جدید را بر عهده خواهد داشت. ۴- اعلام یک پروسه حداکثر شش ماهه برای تدارک ملزومات سیاسی-عملی انتخابات برای ارگانهای اداره جامعه نظام حکومتی آینده، ۵- اختصاص بودجه مالی برابر همه احزاب و نهادهای دخیل در این پروسه زیر نظر شورای رهبری منتخب ۶- تأمین امنیت شهروندان از طریق سازماندهی شهروندان مسلح و غیر مسلح بر آمده از شوراهای مردمی و فرستادن نیروی مسلح حرفه‌ای کنونی احزاب به بیرون شهرها برای تأمین مناطق مرزی، و...

در رابطه با تهدید کشورهای منطقه و عراق اصولی ترین سیاست و اقدامات عبارتند از:

۱- اجرا کردن فوری مواردی که فوقا بر شمرده شد، موثرترین اقدامه برای جنتی کردن آن تهدیدها است.

۲- جلب حمایت شهروندان مقیم کشورهای که دولتهای مستبدشان شروع به تهدید و فشار کرده‌اند، خصوصاً در مناطق عرب نشین عراق یک رکن مهم موفقیت کاهش این فشارها و ممانعت از بروز تحمیل جنگ احتمالی است.

۳- همزمان تلاش برای فراخوان حمایت فکار عمومی مترقی جهانی از فراندوم و نتیجه آن و علیه گروه کشی دولتهای عراق و ترکیه و ایران و بقیه می‌تواند اقدام موثر دیگر باشد. ۴- بکار گیری ممکن ترین شکل "دیپلماسی" برای پرهیز از وقوع درگیری نظامی با کشورهای منطقه

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!



شروع انقلاب در روسیه و. ای. لنین ژنو، چهارشنبه، ۲۵ (۱۲) ژانویه

وقایعی با اهمیت شگرف تاریخی در روسیه در حال تکوین اند. پرولتاریا بر علیه تزاریسیم قیام کرده است. حکومت پرولتاریا را به قیام کشانده است. اکنون جای هیچ شکی نیست که حکومت عامدانه اجازه تکوین جنبش اعتصابی و آغاز تظاهرات گسترده را کمابیش بدون ایجاد اشکال داد، به این منظور که اوضاع را به نقطه‌ای برساند که نیرو نظامی بتواند مورد استفاده قرار بگیرد. مانورش موفقیت‌آمیز بود. هزاران کشته و زخمی - چنین است تلفات یکشنبه خونین، ۹ ژانویه، در سن پترزبورگ. ارتش، کارگران غیر مسلح، زنان و کودکان را شکست داد. ارتش دشمن را شکست داد با شلیک کردن به کارگران به خاک افتاده جلادان تزار و کاسه‌لیسان اروپایی‌شان از میان بورژوازی محافظه‌کار با کمال تمسخر می‌گویند: «درس خوبی به آنها دادیم!»

آری درس بزرگی بود، درسی که پرولتاریای روسیه هیچگاه فراموش نخواهد کرد. کم‌سوادترین و عقب‌مانده‌ترین بخشهای طبقه کارگر که با سادملوچی به تزار اعتماد و خالصانه آرزو داشتند تا عریضه مردمی ستم‌دیده را با مسالمت

به «شخص تزار» تقدیم کنند، همگی از قوای مسلح تحت فرمان تزار یا عمویش، دوک بزرگ ولادیمیر، تعلیم گرفتند. طبقه کارگر در جنگ داخلی درس پُراهمیتی گرفته است؛ سواد انقلابی پرولتاریا در یک روز از همه آنچه در طول ماهها و سالها زندگی تیره، یکنواخت و فلاکت‌بار میسر بود پیشرفت بیشتری کرد. طنین شعار «یا مرگ یا آزادی» پرولتاریای قهرمان سن پترزبورگ در سراسر روسیه شنیده میشود.

وقایع با سرعتی خیره‌کننده از پی هم می‌آیند. اعتصاب عمومی در سن پترزبورگ در حال گسترش است. همه فعالیت‌های صنعتی، عمومی، و سیاسی فلج شده‌اند. در روز دوشنبه ۱۰ ژانویه، درگیری‌های باز هم خشن‌تری بین کارگران و ارتش روی داده است. بر خلاف گزارش‌های کذب دولت، در بسیاری از بخش‌های پایتخت خون به راه افتاده است.

کارگران کولپینو [Kolpino] شهرکی در حومه سن پترزبورگ دارند طغیان میکنند. پرولتاریا دارد خودش و مردم را مسلح میکند. می‌گویند کارگران قورخانه سستراتسک [Sestroretsk] شهرکی در حومه سن پترزبورگ را تصرف کرده‌اند. آنها دارند خودشان را به تیانچه مجهز میکنند، ابزار هایشان را با حدادی به اسلحه تبدیل میکنند، دارند برای کسب آزادی به هر قیمت، بمب تهیه میکنند. اعتصاب عمومی دارد به مناطق دیگر کشور هم سرایت میکند. فی‌الحال ده هزار نفر در مسکو دست از کار کشیده‌اند، و آنجا برای فردا (پنجشنبه ۱۳ ژانویه) به یک اعتصاب عمومی فراخوان داده‌اند. در ریگا شورشی به پا شده است. کارگران در لودز [Łódź] سومین شهر بزرگ لهستان در حال تظاهرات هستند، دارند یک قیام در ورشو را تدارک می‌بینند، تظاهرات‌های پرولتری در هلسینکی در جریان است. در باکو، اودسا، کییف، خارکف، کوینو، و ویلنیوس ناآرامی در بین کارگران در حال رشد و اعتصاب در حال گسترش است. در سواستوپل، انبارها و قورخانه‌های نیروی دریایی در شعله‌های آتش میسوزد، و نیروهای مسلح از شلیک به شورشیان امتناع میکنند. اعتصاب در رول و ساراتف. کارگران و سربازان ذخیره در رادم [Radom] شهری در صد کیلومتری جنوب ورشو با نیروهای مسلح درگیر شده‌اند.

انقلاب دارد گسترده میشود. دولت دارد سرگیجه می‌گیرد. می‌کوشد از سیاست سرکوب خونین به سیاست اعطای امتیازات

ادامه، قدم‌های بعدی بعد از فراندوم...

به ویژه با ارتش مزدور عراق و نیروهای وابسته با ایران به بهانه مناطق مورد مناقشه.

۵- با اینحال، تضمین سازماندهی مسلح توده ای به عنوان ابزار واقعی دفاع از خود در مقابل هر شکلی از اقدام نظامی علیه کردستان عراق. ۶- پایان دادن به هر شکلی از تبلیغات و شعار دادنهای تحریک کننده و پوچ ناسیونالیستی و نژاد پرستانه که جز سم و نفرت پراکنی و دشمن تراشی دستاوردی برای شهروندان کردستان عراق و به نتیجه رساندن پروسه استقلال در بر ندارد.

کلام آخر: با تداوم یکه تازی و مملو از تناقض کنونی رهبری "حکومت اقلیم" که در راس پروسه فراندوم و استقلال قرار دارند، در به سر انجام رساندن اهداف واقعی فراندوم، مستقل از نیت واقعی و درونی بیشتر کسانی که رفتند رای دادند و شادی کردند، نباید زیاد خوشبین بود.

آنچه که میتواند به آینده کردستان عراق و اعلام استقلال متکی به منفعت توده های زحمتکش و تشنگان آزادی و رفاه و امنیت منتهی گردد تنها از مجرای کاهش قدرت احزاب حاکم، اجرای فوری مفاد فوق، و به میدان آمدن صف دیگری از نیروهای چپ و سوسیالیست، مترقی و سکولار، متعهد به رای شهروندان و مسئول در قبال تامین آینده ای به مراتب بهتر از ۲۶ سال اخیر برای جامعه کردستان عراق است که مسیر امیدوار کننده تری را برای آینده و سرنوشت جامعه ترسیم خواهد کرد.

۸ مهر ۱۳۹۶

تسلیح فوری کارگران و همه شهروندان علی‌العموم، آماده و متشکل کردن نیروهای انقلابی برای سرنگون کردن مقامات و نهادهای دولت — این است آن پایه‌ای که بر آن انقلابیون از هر نوع میتوانند و باید متحد شوند تا ضربه مشترک را بزنند.

آندسته از "اهالی شهر شاهدیه" در یزد بیخود میکنند که مدرسه شاگردان "افغانی" را می‌بندند!

طبق خبر پخش شده متأسفانه در سایه فرهنگ فاشیستی جمهوری اسلامی و فرهنگ ننگ ناسیونالیستی و "بیگانه ستیزی"، تعدادی از اهالی شهر شاهدیه در یزد جمع شده اند و مانع شروع سال تحصیلی شاگردان همیشه مورد تبعیض قرار گرفته افغانی شده اند.

ما به شدت این رفتار غیر انسانی را تقبیح نموده و از بقیه اهالی شرافتمند شاهدیه و یزد و از همه انسانهای آزادیخواه و منتفر از این روشهای واپسگرا و ضد انسانی در ایران میخواهیم که جلو این دسته از مردم عقب افتاده را بگیرند و از حق تحصیل و امنیت و آرامش فرزندان افغانی هم سرنوشت اکثریت مردم سرکوب شده ایران حمایت کنند.

ما همچنین از این بخش از مردم عقب مانده "شهر شاهدیه" می خواهیم به جای چنین کارهای بدور از شان انسان برون مانع اجبر کردن اجباری همین افغانی های باشند که جمهوری اسلامی با استفاده از فقر و بیکاری و فضای آلوده علیه آنها با زور و خریدن جسم و روحشان ناچارشان میکنند تا به سوریه بروند و بکشتن شان میدهند. ننگ بر جمهوری اسلامی! ننگ بر فرهنگ فاشیستی- ناسیونالیستی ایرانی گری!

(سلام زیجی)

۲۸-۹-۲۰۱۷



همیشه هدف غائی والایش، که خلاصی بشریت از همه نوع استثمار است، مد نظر داشته باشد. اما این استقلال حزب پرولتری سوسیال دمکراتیک هرگز موجب نخواهد شد که اهمیت یک یورش انقلابی مشترک را در مقطع انقلاب حی و حاضر فراموش کنیم. ما سوسیال-دمکراتها میتوانیم و باید مستقل از انقلابیون بورژوا-دمکرات عمل کنیم و پاسدار استقلال طبقاتی پرولتاریا باشیم. اما باید در طی قیام، وقتی ضربات مستقیم بر پیکر تزاریسیم میکوبیم، وقتی قوای مسلح را با مقاومت مواجه میکنیم، وقتی به زندانهای مخوف دشمن ملعون و منفور تمام مردم روسیه هجوم میبریم، دست به دست آنها حرکت کنیم.

پرولتاریای کل جهان اکنون مشتاقانه چشم به پرولتاریای روسیه دوخته است. سرنوشتی تزاریسیم در روسیه، که اینچنین دلاورانه توسط طبقه کارگر ما آغاز شده، نقطه عطفی خواهد بود در تاریخ همه کشورها؛ وظیفه کارگران همه ملتها را تسهیل خواهد کرد، در همه ایالات، در همه جای کره زمین. پس بگذار هر سوسیال-دمکرات، هر کارگر طبقه-آگاه و وظایف عظیم مبارزه توده‌ای وسیعی که اکنون بر دوش دارد را مد نظر داشته باشد. بگذار به یاد داشته باشد که او نیازها و منافع کل دهقانان، همه آنهاست که زحمت می‌کشند، همه آنهاست که استثمار می‌شوند، کل مردم علیه دشمنشان را هم نمایندگی میکند. قهرمانان پرولتر سن پترزبورگ اکنون سرمشقی شده‌اند برای همگان.

زنده باد انقلاب!
زنده باد پرولتاریای قیام‌کننده!

و پروید شماره ۴

۳۱ (۱۸) ژانویه ۱۹۰۵

ترجمه جواد راستی پور

و علیه اشراک، علیه حاکم مستبد، علیه قاتلین کارگران بی‌دفاع و زنان و کودکانشان، به صف مردم می‌پیوندند. مستقل از اینکه نتیجه قیام کنونی در سن پترزبورگ چه بشود، این در هر صورت اولین قدم به سوی یک قیام گسترده‌تر، آگاهانه‌تر و متشکل‌تر خواهد بود. دولت شاید موفق شود که روز حساب را به تعویق بیندازد اما این تعویق تنها قدم بعدی هجوم انقلابی را مدهش‌تر خواهد کرد. این تنها به معنای این است که سوسیال-دمکراتها از این تعویق سود جسته تا مبارزین متشکل را بسیج کنند و اخبار دست به کار شدن کارگران سن پترزبورگ را اشاعه دهند. پرولتاریا به مبارزه خواهد پیوست، کارگاه و کارخانه را ترک خواهد کرد و برای خودش اسلحه تدارک خواهد دید. شعارهای مبارزه برای آزادی، بیشتر و گسترده‌تر به میان فقرای شهری و میلیونها دهقان بُرده خواهند شد.

کمیت‌های انقلابی در هر کارخانه، در هر ناحیه شهر، در هر دهکده بزرگ بر پا خواهند شد. مردم در حال قیام نهادهای دولتی اتوکراسی تزاریست را سرنگون و تشکیل فوری مجلس مؤسسان را اعلام خواهند کرد.

تسلیم فوری کارگران و همه شهروندان علی‌العموم، آماده و متشکل کردن نیروهای انقلابی برای سرنگون کردن مقامات و نهادهای دولت — این است آن پایه‌ای که بر آن انقلابیون از هر نوع میتوانند و باید متحد شوند تا ضربه مشترک را بزنند. پرولتاریا همیشه باید راه مستقل خودش را دنبال کند، هرگز پیوندش را با حزب سوسیال-دمکرات تضعیف نکند،

اقتصادی تغییر خط بدهد و خودش را با پرتاب تکه نانی جلوی کارگران یا قول ۹ ساعت کار در روز حفظ کند. اما درس یکشنبه خونین را نمیتوان فراموش کرد. مطالبه کارگران قیام‌کننده سن پترزبورگ — تشکیل فوری یک مجلس مؤسسان بر مبنای حق رأی همگانی، مستقیم، برابر و مخفی — باید مطالبه همه کارگران اعتصابی بشود.

سرنگونی فوری حکومت — این شعاری بود که با آن حتی آن کارگران سن پترزبورگ که به تزار باور داشتند، به قتل عام نهم ژانویه پاسخ دادند؛ آنها از زبان رهبرشان، کشیش گئورگی گاژن، پاسخ دادند که پس از آن روز خونین اعلام کرد: «ما دیگر تزار نداریم. رودی از خون تزار را از مردم جدا میکند. زنده باد مبارزه برای آزادی!»

ما می‌گوییم زنده باد پرولتاریای انقلابی! اعتصاب عمومی توده‌های بیشتری از کارگران و تهیدستان شهری را به هیجان آورده و بسیج میکند. مسلح کردن مردم دارد یک وظیفه فوری این بزنگاه انقلابی می‌شود. تنها یک مردم مسلح می‌توانند پاسدار واقعی آزادی توده‌ای باشند. هر چه پرولتاریا زودتر مسلح شود، و هر چه طولانی‌تر سنگرهای نبردش را همچون پرولتاریای اعتصابی و انقلابی نگهدارد، زودتر ارتش شروع به تزلزل خواهد کرد؛ سربازان بیشتر و بیشتری بالأخره می‌فهمند که چه دارند می‌کنند

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

سند مصوب درباره

مصافها و اولویتهای حزب سوسیالیست انقلابی ایران

شرایط امروز ایران و تحولاتی که بعد از توافقات بین قدرتهای بزرگ جمهوری اسلامی تحت عنوان "برجام" به وجود آمده است، جامعه را با مسائل و معضلات و ترندهای جدیدی روبرو ساخته است. این رویداد بخش اعظم نیروهای چپ و راست را به مسیر اشتباه و خوشباورانه پوپولیستی و راست و به مسیر سیاست انتظار سوق داد. نه آن توافق و بده بستان و نه حتی پایان محاصره اقتصادی و آزاد شدن میلیاردها دلار سرمایه های ضبط شده ایران در غرب، برعکس ادعاهایی که می شد، به روند سرنگونی رژیم کمکی نکرد. بازگشت آن پولها توقعات اقتصادی جامعه را هم بالا نبرد، و در جهت رفع و حل و فصل کوچکترین نیازمندیهای طبقه کارگر و مردم زحمتکش بکار گرفته نشد.

برعکس، نتیجه و ماحصل برجام و توافق حکومت اسلامی با قدرتهای سرمایه داری غرب همچنانکه انتظار میرفت در راستای تقویت ابزار سرکوب، اعمال سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی به مراتب ویرانگرتر در جهت "جذب سرمایه های خارجی" و استثمار و تحقیر و بی حقوقی و فقر و فلاکت بیشتر کارگران و زحمتکشان و تحمیل دستمزدهای به مراتب کمتر، بیکار سازیهای بیشتر و روز افزون، تعقیب و فشار و ارعاب و سرکوب جامعه بوده است.

این تحولات یکبار دیگر به همگان اثبات نمود که هیچ امید و سیاست و مطالبه و آزادی از دریچه جدال و توافق طبقات حاکمه و دولتهای بورژوائی با یکدیگر نه تنها ممکن نخواهد گردید، که اتکا به چنین سیاست ها و امیدها و تحلیل های پوپولیستی جزیه روزی برای کارگر و جامعه چیز دیگری به ارمان نیابوده و نخواهد آورد. در پی زدوبند و توافقات چند دولت ارتجاعی باهمدیگر، تئوریهای پوچ "چشم انداز سرنگونی"، "جنبش سرنگونی"، "فرا رسیدن" "سرنگونی شیرین" و "عروج" "متحدانه جنبشهای اجتماعی" باد هوا شد چون همگی بر پایه تحلیل های غیر واقعی و پوپولیستی، توهم آمیز و بورژوائی استوار بود.

این روند بر رابطه بخش اعظم بورژوازی ایران و جهان و اپوزیسیون با جمهوری اسلامی تأثیر گذاشته است. این وضعیت، طبقه کارگر و کمونیست ها را با صف بندیها و مصاف های جدیدی روبرو کرده است. بخشی از نیروهای راست و ملی اسلامی در اپوزیسیون نیز که پیشتر تحت هر عنوانی مخالف رژیم یا سرنگونی طلب بودند، امروز مبارزه خود را به درون جناح های جمهوری اسلامی منتقل کرده و به دنبالچه دعوی این یا آن جناح رژیم تبدیل شده اند.

بی تردید مبارزه و اعتراض در اعماق جامعه و بطور گسترده علیه نظام اسلامی و شرایط تحمیلی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی شکننده در جریان است. با وجود همه این واقعیت ها، عدم تشکل و اعتراض سازمان یافته مبارزاتی، و به ویژه به دلیل نبود احزاب پیشرو و ورزمنده چپ و کمونیستی در صحنه جدال روزمره علیه سرمایه داری و جمهوری اسلامی باعث گردیده است که این رژیم فاسد و جانیتکار همچنان به سرکوب و استثمار و حاکمیت ننگین خود ادامه دهد. چشم دوختن مجدد برخی از اپوزیسیون، از جمله اپوزیسیون بورژوا-ناسیونالیست ایرانی، آذری و کوردی حول سرکار آمدن ترامپ نیز به عنوان آنسوئی سکه امید بستن و همراهی و دنباله روی از جناحهای درونی رژیم، جز آسیب و صدمه به امر مبارزه از ادیخواهانه کارگران و مردم زحمتکش و کمک به بقای این رژیم ضد انسانی حاصل دیگری از آن نمی توان در چشم انداز داشت.

در چنین دوره ای وظایف خطیری در مقابل حزب ما، طبقه کارگر و مبارزین راه آزادی و برابری قرار دارد. کنفرانس موسس حزب به منظور مقابله با اوضاع جدید در منطقه و ایران و تغییر تناسب قوا به نفع جنبش طبقه کارگر، زنان، جوانان و دهها میلیون انسان منتفراز جمهوری اسلامی منشور مصافها و اولویتهای زیر را تا مقطع کنگره اول حزب در دستور گذاشته و رهبری منتخب خود را موظف می کند کلیه فعالیت های سیاسی و اجرایی حزب را در این راستا هدایت و رهبری کند:

۱- حزب: تبدیل حزب به یک حزب سیاسی بزرگ توده ای و منضبط در راستای مصوبات کنفرانس موسس. تبدیل حزب به نیروی محرکه اصلی مدعی کسب قدرت سیاسی و آماده سازی فکری - عملی و تشکیلاتی حزب برای پاسخگویی به مسائل دوره جدید. این حزب به اصلی ترین نیروی اپوزیسیون و محرک و پرچمدار سرنگونی کلیت رژیم اسلامی و به یک حزب سیاسی کارگری - توده ای رادیکال و فراگیر، یک حزب ملیتانت و سازمانده باید تبدیل گردد.

۲- حزب ما حزب درگیر شدن در همه جدالهای سیاسی و طبقاتی در جامعه علیه رژیم و جنبشهای ارتجاعی است: حضور فعال و رادیکال در جدالهای اصلی مبارزه طبقاتی و سیاسی، مبارزه و نقد جنبشهای ملی-اسلامی و ناسیونالیستی، علیه استبداد حاکم و کلیه مظاهر و قوانین اسلامی بودن، علیه اعدام و زندان و سرکوب و مبارزه روزمره، علیه کلیه اجحافات و قلدری و فرهنگ عقب مانده علیه زنان و حقوق جوانان و کودکان، مبارزه علیه اعمال تبعیضات بر حسب ملی، آپارتاید جنسی و غیره یک رکن مهم فعالیت کمونیستی ما خواهد بود. افزایش پرچم سوسیالیستی روشن و دخالتگر، فراخوان و سازماندهی جامعه به مسیر تغییر تناسب قوا به نفع مبارزات جاری کارگران و توده های زحمتکش و تسریع روند سرنگونی جمهوری اسلامی اساس فعالیت ما خواهد بود. این حزب بنا به نیازهای فوری و ضرورت و مقدرات جنبش بایستی به حزبی جدی و پراتیکال و انقلابی و رزمنده و به حزب رهبر و سازمانده تبدیل گردد.

۳- جنبش طبقه کارگر: - دخالت فعال و مستمر و حضور جدی و واقعی در مبارزات جاری طبقه کارگر برای بهبود زندگی این طبقه و تامین یک سیاست پیگیر کمونیستی. تلاش پیگیر و هدفمند برای متحد کردن طبقه از جمله رهبران پیشرو و کمونیست و کمک به تشدید مبارزه این طبقه علیه بورژوازی. افزایش گرایشات راست درون طبقه و علیه تشکلهای ضد کارگری دولتی و علیه تداوم سرکوب جمهوری

ادامه در صفحه ۷

گزارش و افزایش توقعات اقتصادی طبقه کارگر و تقویت گرایش سوسیالیستی متکی بر برگزاری جنبش مجامع عمومی و شوراهای در محل کار و زیست، و کمک به مبارزه متحد کل طبقه علیه اخراج و بیکارسازیهای جاری.

۴- **نقد و افشای مستمر کمونیسم ملی و پوپولیسم**: افشاء و نقد سیاستها و عملکرد چپ پوپولیست و بورژوائی و سیاستهایی که تحت عناوین "کمونیسم کارگری" یا کمونیسم ملی و خلقی، کمونیسم پاسیو و گروه فشاری، و چپی که به دنباله روحوادث و جنبشهای ارتجاعی و جناحهای از رژیم تبدیل میشود، بخشی از روند آگاهگری و دفاع ما از حقایق و جنبش مستقل کارگری-سوسیالیستی و تقویت پرچم رادیکال و بدون توهم به کلیت جمهوری اسلامی و پرچمهای دیگر بورژوائی خواهد بود.

۵- **مخاطرات سناریوسیاه**: مبارزه باخطر سناریوسیاه و جلوگیری از سرایت آن به ایران و تدارک ابزارهای مقاومت و مبارزه با آن یکی از عرصه ها و ارکان مهم و همیشگی فعالیت‌های حزبی ما خواهد بود. تدارک و آماده سازی ابزارها و مکانیزم های توده ای و سازمانی مقاومت و مبارزه بر علیه این مخاطره و همه جریان‌های ارتجاعی سناریو سیاهی، تشویق اپوزسیون چپ و مسئول و فراخوان طبقه کارگر و جامعه برای مقابله با این خطر از جمله وظایف عاجل ما خواهد بود.

۶- **جنبش زنان، جنبش جوانان**: -تامین پرچم پیگیر کمونیستی در مبارزات جاری آزادی زن و خلاصی فرهنگی. تقویت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاهها و مراکز آموزشی، بعنوان یکی از سنگرهای چپ و آزادیخواهی، و عقب راندن ارتجاع از این سنگرها. حزب ما باید زمینه و امکان عروج طیف وسیعتری از نسل جوان را در کمونیسم رهبری حزبی تضمین کند. حضور کمونیست‌های نسل جوانتر در سطوح مختلف رهبری و پست‌های کلیدی و ارگان‌های حزبی نیاز مبرم حزب و جنبش ما است.

۷- **مالی**: این حزب به بنیه مالی قوی نیاز فوری دارد. گسترش امکان‌سازی مالی، اتکا به جامعه و اعضا برای امکان سازی مالی، جاری کردن یک سیاست و موازین بسیار شفاف و قابل حسابرسی در کل حزب اولویت فوری ما است.

۸- **امنیت**: لازم است همه رفقای رهبری، کادرها و اعضای این حزب با تمام قدرت و هوشیاری نسبت به مراعات اکید مسائل امنیتی عمل نمایند. حزب موظف است امنیت و سلامت حزبی را مطابق با استانداردهای واقعی (بر مبنای سند ویژه امنیت) در همه عرصه‌های تشکیلاتی اجرایی نماید.

۹- **رابطه با احزاب**: در راستای تحقق مفاد این سند همکاری با احزاب و سازمان‌های کمونیست، نهادهای کارگری و رادیکال در سطح جهان، منطقه و ایران یک ضرورت سیاسی است. هدف و مبنای این رابطه‌ها کمک به پیشبرد امر مبارزه طبقاتی و کمونیستی در بعد بین المللی و محلی است. همکاریهای موردی و مشخص ما با اپوزیسیون در ایران به معنی سازش سیاسی و اعلام "آتش بس" و پرهیز از نقد علنی سیاست‌های انحرافی هیچیک از آنها نیست.

۱۰- **رهبری این حزب باید پیشرو، جدی، سیاسی و پاسخگو باشد**: رهبری منتخب کنفرانس موسس حزب در قبال امر مبارزه طبقاتی جنبش ما، در قبال تلاش بی وقفه و همه جانبه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، در قبال تامین یک فضای باز و مدرن سیاسی در حزب، در قبال سازمان دادن یک حزب کاملاً منضبط و جدی، در قبال تضمین اتحاد حزب حول سیاستها و مصوبات حزب، در قبال تعهدی که به جامعه و حزب می دهد و در قبال پیشبرد سیاست‌های مصوب حزب، از جمله مفاد همین سند اولویتها، چه در ظرفیت فردی و چه در ظرفیت جمعی پاسخگو و مسئول است.

کنفرانس، رهبری سنتی "حزب باد"، رهبری مادام العمری، رهبری "نظاره‌گر حوادث"، رهبری منفعل، رهبری محفلی و فرقه ای، رهبری "نصیحت کن"، رهبری بی تفاوت به سرنوشت جامعه و مبارزه، رهبری که خود در میدان عمل انقلابی و صف مقدم فعالیت‌های سیاسی و حزبی نباشد را رهبری مناسبی برای این حزب نمی داند. کنفرانس از همه کاندید شدگان در پست‌های مرکزی و رهبری سیاسی-اجرایی حزب اکیدا می خواهد نسبت به وظایفشان مسئول و جوابگو باشند و با اعلام تعهد در عمل به آنها به عنوان رهبران قابل اعتماد و دلسوز به مصاف جمهوری اسلامی و بورژوائی بروند.

۱۱- کنفرانس موسس حزب سوسیالیست انقلابی ایران از رهبری منتخب خود میخواهد طی یک ماه آتی در جهت تحقق سند مصوب "مصافها و اولویتها" و دیگر اسناد مصوب کنفرانس، نقشه عمل و برنامه روشن و دقیق زمانبندی شده و قابل اجرا تهیه و در دستور کار کل ارگان‌های حزبی قرار دهد.

۱۲- کنفرانس بر ضرورت سازماندهی و تقسیم کار و آرایش لازم در کلیه عرصه‌ها تاکید نموده و در این زمینه‌ها اختیارات خود را به رهبری منتخب تنفیذ می نماید تا در جهت تحقق این اهداف به فوریت عمل شود.

کنفرانس موسس حزب سوسیالیست انقلابی طبقه کارگر، رهبران کمونیست و صف آزادیخواهان ایران و منطقه را به پیوستن به حزب و سهیم شدن در تحقق اهداف فوق فرامیخواند. کنفرانس اعلام میدارد که این حزب کارگران و کمونیست‌ها و همه فعالین کارگری و سوسیالیست است. این حزب متعلق به همه زنان و جوانان و کسانی است که برای سرنگونی رژیم فاشیست اسلامی و برای دستیابی به آزادی، برابری، رفاه، امنیت و خوشبختی مبارزه میکنند.

به حزب سوسیالیست انقلابی ایران پیوندید.

کنفرانس موسس حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۲۸ مرداد ۱۳۹۶

۱۹ اگوست ۲۰۱۷

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!



میخواهم به حزب سوسیالیست انقلابی بپیوندم به شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران

با سلام به شما دوستان حزب سوسیالیست انقلابی!

اینجانب ناصر نیجی با توجه به اینکه قبلا در حزب کمونیست کارگری - حکمتیست فعالیت داشتم و هفته گذشته طی نامه ای کناره گیری خود را از آن حزب به ان دوستان اطلاع داده ام، اکنون تصمیم دارم که برای ادامه فعالیت خود به حزب سوسیالیست انقلابی بپیوندم

از نظر من حزب سوسیالیست انقلابی ایران یک حزب سیاسی و واقعا حزب ما نسل جوانها و حزب مربوط به کارگران و سوسیالیستها و حزبی است برای سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی. سیاستها و برنامه های آن حزب را تعقیب نموده و آنها را کاملا قبول دارم و از شما رفقای شورای رهبری حزب خواهشمندم که من را به جمع دوستان خود و فعالیت در حزب سوسیالیست انقلابی بپذیرید.

با تشکر

ناصر نیجی

۲۷-۰۹-۲۰۱۷

رفیق ناصر عزیز!

از صمیم قلب به شما خوش آمد میگوییم و دست رفیقانه ات را به گرمی میفشارم. حزب سوسیالیست انقلابی، حزب شما جوانان انقلابی و انسانهای آزادیخواهی می باشد که عزم را جزم کرده اند و در یک رزم نابرابر علیه هارترین رژیمهای عصر حاضر و علیه نظم نوین سرمایدار می میدان آمده اند و جسورانه و با روحیه رزمندگی شایسته انسان آزاد، مبارزه میکنند.

ناصر عزیز



حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما مبارزان کمونیست است و این حزب به خود می بالد رهروانی چون شما عزیزانی را در صفوف خود دارد. شکی نیست که جنبش ماو حزب ما در دل سنتهای پیشرو و مترقی جامعه و در متن مبارزه انسانهای شریف و کمونیستهای انقلابی مثل شما قد علم کرده و میخواهد راه را در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی بپیماید. حزب سوسیالیست انقلابی با تکیه بر شور و انگیزه شما جوانان پرشورو انقلابی پیروزی خود را رقم زدو بافداکاری شما عزیزان بقای خود را تضمین میکند. حزب سوسیالیست انقلابی ایران همراه شما و دیگر جوانان انقلابی میخواهد یک نیروی قوی اجتماعی در گوشه و کنار ایران باشد و در نظر دارد وجود خود را در نقش جوانانی مثل شما و رهبران و فعالین رادیکال جنبش کارگری در برانگیختن و هدایت مبارزات روزمره جوانان، کارگران، زنان، معلمان و قشرهای محروم جامعه، خود را نشان دهد. پیوستن شما رفیق گرامی را به صفوف خود تبریک میگویم و امیدوارم با هم و در یک سنگر به پیش تازیم برای اهداف انقلابی حزب سوسیالیست انقلابی ایران.

پیش بسوی پیروزی
رفیق شما عزیز آجیکند
09/28/2017

زنان و جوانان انقلابی به حزب بپیوندید

این رژیم باید سرنگون شود!

ابراهیم باتمانی



تلاش کردند و هزینه برایش دادند. مدیاها را سازمان دادند، جلسه برایش گرفتند و صدها اقدام ضد انقلابی دیگر تا بتوانند انقلاب

۵۷ را با شکست روبرو کنند. ترس امریکا و کشورهای غرب از چپ در ایران بود مبدا به قدرت برسند و وابسته به شوروی سابق شوند. خمینی مرتجع را از بغداد بردند فرانسه و از آنجا کم کم به عنوان آلترناتیو ضد انقلابی روش کار کردند. سرانجام همراه با سرکوب و با وعده وعید پوچ خمینی و جریانات اسلامی را به کرسی نشانند.

اکنون حدود ۳۸ سال است جانشین شاه در ایران هم حکومت میکند و هم جلو چشم همگان جنایت میکند. جامعه ایران را به گرداب کشانده اند میلیونها انسان را قربانی سیاستها ضد انسانی خود کرده اند. ملیونها نفر را معتاد کرد اند. دهها هزار نفر چپ و کمونیست و آزادیخواه و برابری طلب و انسانهای شرافتمند و مخالفین سیاسی خود را اعدام و ترور کرده اند. تفکیک جنسیتی به وجود آورده اند و زن و مرد را در اماکن عمومی در ادارات و مدارس و اتوبوسها جدا کرده اند. ملیونها نفر را بیکار و بی سر نوشت و گرسنه کرده اند. کارگران در ایران کار میکنند با پول کم و در ضمن ماهها هم پولشان را نیز نمی دهند و وقتی اعتراض هم میکنند باز زندان رفتند و شلاق زدن باطوم و جوابشان را می دهند. بیشمارند کودکان بی سر پرست و بی سواد و از خانواده های فقیر و کم در آمد تو بازار کار که هر روز استثمار و تحقیر میشوند، سیلی میخورند، شکنجه میشوند، و مورد تجاوز قرار میگیرند.

در یک کلام واقعا ایران را تبدیل به یک ویرانه کرده اند و برای اینکه به حکومتشان ادامه بدهند راه سرکوب و خفقان و حاکم کردن فضای امنیتی و گسترش پدیده وحشیانه اعدام را در پیش گرفته اند. مردم را در ملا عام اعدام میکنند. خوشی و شادی را از مردم گرفتند. رژیم جنایتکار ایران خوب میدانند چه بلایی سر این جامعه هفتاد هشتاد میلیونی آورده اند و در ضمن این را هم میدانند که در طول این ۳۸ سال با این همه فقر و جنایت که در حق مردم به خصوص کارگران و زنان و زحمت کشان کرده، هنوز هم نتوانسته و نمیتواند بدون توصل به سرکوب و اعدام و استثمار بقای خودش را تضمین کند. به همین خاطر همچنانکه ابتدا اشاره کردم هیچ پلی پشت سرش نمانده و همه را خراب شده می داند. از اینرو تنها ابزار سرکوب، اجیر کردن مزدور و به کار گیری اعدام که از روز اول تا به امروز به آن متکی بوده همچنان ادامه میدهد.

از روز اول سر کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، این نماینده جهل و سرمایه، یک رکن اساسی و مهم سیاستهایش که بتواند به حیات ننگینش ادامه دهد پدیده اعدام بوده و متأسفانه هنوز هم توانسته آنرا به بدترین شیوه ممکن و هر روزه ادامه بدهد. برای نسل جوان که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ زیر حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی به دنیا آمدند و گرفتار این حکومت شرعی و قرون وسطی شدند بگذارید نکاتی را متذکر شوم و ساده بیان کنم که چرا انقلاب شد؟ و به علل تداوم اعدام این رژیم که جانشین شاه شد هم اشاره خواهم داشت.

حکومت شاه یک حکومت دزد و دیکتاتور و سرکوبگر بود. به خصوص کسانی مثل چپها و سوسیالیستها و کمونیستها و تفکرهای سیاسی دیگر که به وضعیت و سیاستهای شاه مخالفت میکردند، به وسیله ساواک، یعنی پلیس مخفی (اطلاعات امروز جمهوری اسلامی) دستگیر و راهی زندان میشدند. زیر عکسهای شاه نوشته بودند "شاه سایه خداست". مگر کسی در آن زمان میگرد بگوید سرمایه مملکت ایران چقدر است و کجا خرج میشود؟ چقدر در خزانه دولت موجود است؟ اصلا کلمه "چرا" ممنوع بود. نمی شد از کسی سوال کرد که ریشه اصلی فقر و بدبختی از کجا آمده و چرا فقر تا این حد در جامعه رو به افزونیست و یا ثروت مملکت کجا می رود و چه کسانی از آن بهره میگیرند؟

مردم به خاطر این همه فشار و ناعدالتی و بی حقوقی و عدم دخالت در امور جامعه سرانجام به تنگ آمدند و در بحرانی که شاه با آن روبرو شد به اعتراض روی آوردند و تصمیم گرفتند این رژیم را سرنگون کنند. به خصوص اعتصاب و دخالت جدی کارگران شرکت نفت و شرکت فعال زنان و فرهنگیان معلمان و چپها و جریانات دیگر در سرنگونی شاه نقش جدی را از خود ایفا نمودند. در قیام سال ۵۷ بسیاری از جوانان و مردم معترض به وسیله ارتش شاه خونشان ریخته شد. مردم برای آزادی و زندگی بهتر و رفاه بیشتر و حرمت و کرامت انسانی خودش و اینکه به خاطر عقیده سیاسی و مخالفت با دولت راهی زندان نشود و شکنجه و اعدام نگردند متحدانه به خیابانها ریختند و دست به انقلاب زدند و در فاصله کوتاهی به عمر پر از جنایت رژیم پلوی خاتمه دادند.

انقلاب ۵۷ مردم ایران علیه رژیم فاسد پهلوی بر حق و قابل دفاع بود و هست. اما چراین همه تلاش و زحمت و خون ریختن و خواستها و مطالبات برحق کارگران جوانان و به خصوص زنان مبارز به اینجا کشیده شد؟ بررسی جامع آن شاید در حوصله این متن نباشد. اما به این اکتفا میکنم که وقتی کشورهای غربی و خصوصا دولت آمریکا متوجه شدند که مردم ایران شاه را سرنگون میکنند و متوجه شدند روند چپ هم دست بالا را دارد و احتمالا منافعشان به خطر بیافتد، دنبال آلترناتیو خودشان رفتند.

در دفاع از زندانیان سیاسی از جمله فعالین کارگری در بند متحد شویم!

بنیاد و شالوده دین ترس است

سهراب کرماشانی

بیماری، بهبودی، تداوم بهبودی، این سه واژه هر کدام به نوبه خود مهم و قابل بحث و گفتگوست. دین به عنوان منبع بیماری که خود یکی از موانع عامل پیشرفت بشر بوده در کالبد جامعه جاکش کرده و خیال رفتن راندارد. این غده سرطانی که بعدها به مذهب تبدیل شده و در دل فرهنگها ریشه دوانیده بنیاد و شالوده اش ترس است. این بیم و هراس نشأت گرفته از عدم شناخت درونی خود و نادیده گرفتن باورها و تواناییهای درونیست. دیگر اینکه خودخواهی و خود محوری که در نقطه مقابل خودمشارکت و مشورت را به همراه دارد قرار گرفته و سد راه پیشرفت و بهبودی شده است.

به همین خاطر ما در طول تاریخ شاهد تولد فیلسوفان روشن فکری هستیم که نظیرش را در دین نخواهیم دید و راه درست زندگی کردن را برای بشریت به ارمغان آوردند. صاحبان دین چونکه کالای بی اساس و ریشه خرد را در معرض خطر دیدند مجبور به مقابله به مثل شدند که در برابر این مسئله چاره ای بیندیشند تا بتوانند در این مهم غلبه کنند. افسار بدستان دینی این یوغ بندگی و بردگی را برگردن فیلسوفان دینی انداختند تا بتوانند به حیات خود که همانا استبداد و استعمار انسانهای آزادیخواه بود تداوم ببخشند. فلاسفه های دینی مذهبی چونکه ابزاری در دست نداشتند مجبور به ادغام کردن فرهنگ دیرینه مردم و روایت و احادیث در دین شدند که خوشبختانه این امر سبب شد دو موضوع فرهنگ و دین که همانند آب و روغن است با هم اجین نشوند و باعث بیداری اندیشه شود.

در این برهه از زمان که پایه های بردگی دینی سست شده بود به یکباره دنیا شاهد فروپاشی و نابودی قرون وسطی شد و بشر بسوی بهبودی و تکامل پیش رفت. هم اکنون تنها سوالی که مطرح است و نیاز به پاسخ دارد اینست که چرا اجنابتکاران جمهوری افیون اسلامی نمیخواهند واقعیت تلخ استبداد را بپذیرند تا جامعه بتواند بر سر نوشت خویش حاکم شود. در اینجا لازم میدانم که قشر فرهنگی و دانشجویان و اساتید محترم و فهیم را به مبارزه با جهل و نادانی و اسارت بندگی با حکومت خونخوار دعوت کنم.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران با باز گذاشتن درهای پیشنهاد و انتقاد از کلیه روشنفکران جامعه دست یاری و مساعدت داده تا بتوانیم از طریق اطلاع رسانی و تلاش گسترده حکومت دیکتاتوری مذهبی را بر انداز و راه را بسوی آزادی و استقلال هموار کنیم.

نابودباد جمهوری تحمیلی اسلامی
زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران

خود سرمداران و حاکمان رژیم فاسد و دزد و آدم کش میدانند اعدام هم کاری از پیش نمی برد و نمیتوانند از دست مردم و کارگران و زحمت کشان و جوانان و زنان متنفذ از این نظام جان سالم به در ببرند. و اما ما برای رسیدن به پیروزی لازم است که اشتباهات گشته در سال ۵۷ را تکرار نکنیم، لازمه آن انتخاب حزب و سیاست و مبارزه درست و ایجاد صف مستقل کارگری و آزادیخواهای خودمان برای رسیدن به آزادی و برابری و سوسیالیسم است. در این راستا الان دیگر وقت تعرض کارگران و کمونیستهای آزادیخواه و برابری طلب و زنان مبارز و ستمدیده و اسلام زده است که متحد شوند.

این حکومت مرتجع با قانون و شریعتش به زباله دان تاریخ باید سپرده شود. الان وقت آن رسیده که رساتر به به حجاب اجباری نه بگویم، آنان دیگر وقت آنست صدای خود را علیه اعدام بالا ببریم و برای آزادی زندانیان سیاسی به مبارزه برخیزیم. در مقابل موج اخراجیها و بیکار سازیها ضروری است متحدانه بیاستیم و مطالبات خود را روشن و شفاف روبه سرمایه داران اعلام کنیم. وقت آنست که دوباره شعار برابری زن و مرد را سر دهیم و علیه کار کودکان و بی حقوقیهایشان اعتراض و به میدان آیم.

همه بر این نکته واقفند که این رژیم قابل اصلاح نبوده و نیست! و اصلاح طلبی و اعتدال گوی و جنبش سبز و اصولگرا و غیره همه از یک نوعند، همه شریکند در جنایت و بقای این رژیم و فریب دادن مردم. همه امتحان خود را پس داده اند و باید به عمرشان پایانی بخشید.

مرک بر جمهوری اسلامی

کارگران! حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما است، به آن پیوندید!

تصمیم "شورای امنیت" و تهدید دولتهای جنایتکار را محکوم میکنیم!



برگزاری رفراندوم و رای دادن به ماندن یا جدائی در چهار چوب عراق را حق بدون چون و چرای کلیه شهروندان مقیم کردستان عراق میدانند، از اینرو از آن حمایت کرده و خواهد کرد.

حزب سوسیالیست انقلابی مناسبترین و مطمئن ترین شکل حراست از امنیت شهروندان در پروسه رفراندوم و بعد از آنرا به منظور خنثی کردن هر شکلی از اقدام احتمالی نظامی کشورهای جنایتکار را متکی شدن مردم کرد زبان به نیروهای سازمانیافته کمونیستی و کارگری و آزادیخواهانه و سازمانیابی فوری توده ای و مسلح متکی به اراده شوراهای منتخب مردمی در شهرها و محلات و در مراکز کارمیدانند. ما معتقد هستیم که سرنوشت اجرای رفراندوم، که باید فوری به استقلال منتهی گردد، با دخالت و حضور مداوم و سازمانیافته خود تودهای مبارز و زحمتکش باید تامین و تضمین گردد نه صرفا موکول کردن آن به احزاب ناسونالیست حاکم.

ما طبقه کارگر عراق و کردستان عراق را به حمایت از برگزاری رفراندوم بدون تهدید و نظامی کردن فضا فرا میخوانیم. پایان دادن به این مانع بزرگ تاریخی که همواره به این بهانه هر دو سوی بورژوازی و ناسیونالیسم عرب و کرد، نیرو گرفته اند و موقعیت خود را توجیه کرده اند و به مطالبه و آزادیها و مبارزات طبقه کارگر جواب سر بالا داده اند و سرکوب نموده اند در نهایت به نفع کل طبقه کارگر و مردم سرکوب شده و رنج دیده عراق و کردستان عراق می دانیم.

حزب سوسیالیست انقلابی از طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران می خواهد سیاستهای دخالتگرانه و قلدنرمنشانه و جنایتکارانه جمهوری اسلامی در تحولات عراق، و از جمله برخوردیهای تهدید آمیز آنها را برای مقابله با حق ابتدای انتخاب شهروندان در شرکت و برگزاری رفراندوم در کردستان عراق شدیداً محکوم نمایند و علیه آن به ایستند.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۲۳ سپتامبر ۲۰۱۷

iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

به دنبال اعلام مخالفت امریکا، "پدرکردها"، و تصمیم مشترک سه کشور "دوست" همیشه سرکوبگر و ضد آزادی، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و عراق، علیه برگزاری رفراندوم برای استقلال کردستان عراق، "شورای امنیت سازمان ملل متحد" نیز شنبه ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۷ با رفراندوم استقلال اقلیم کردستان عراق که قرار است روز دوشنبه ۲۵ سپتامبر برگزار شود، مخالفت کرد. و گویا علل این مخالفت در رابطه با حاکمیت و "یکپارچگی عراق"، "بی ثباتی در منطقه"، و کاهش تمرکز جنگ با "دولت اسلامی" میباشد!

دنیای وارونه و دمکراسی های پوچ و به بازی گرفتن سرنوشت جامعه بشری از جانب یک مشت سرمایه دار و کانگستر بین المللی به وضوح در این رفتار "شورای امنیت" میتوان دوباره ترسیم کرد. جنگها و سرکوبگریها و ویران کردن مدارس و کاشانه مردم دردهها کشور، سرکوب مداوم مردم فلسطین و نظارگری این نهاد بی خاصیت و امتیاز دادن آشکار به اسرائیل، و یا سکوت مرگبارشان در باره جنایت های دوره صدام حسین علیه شهروندان کرد زبان، سکوتشان در مقابل مزدوران جمهوری اسلامی در عراق و ترور و کشتن مردم در آنجا و بلاخره سکوت عامدانه در مقابل وجود دهها میلیون کودک و زن و سالمند برده سرکوب شده و مورد تجاوز که همین امروز در کشورهای تحت حمایت همین سازمان ملل در جریان هست، و دهها موارد مشابه همگی دال به ریاکاری و دروغگویی آنها حول ادعای امنیت و آرامش و دمکراسی و حقوق بشرشان است!

این مجمع ضد امنیت جنایتکاران امپریالیستی که خود عامل جنگ و به هم زدن "یکپارچگی" جامعه و کشورها و به هم زدن امنیت منطقه بوده هستند، و دولتهای عضو آن که عامل مستقیم نابودی میلیونها انسان در چند کشور درخاورمیانه است، همراه با دولتهای فاشیست و مذهبی مانند ایران و عراق و ترکیه بسیار رسواتر از آن هستند که در مقابل ابتدائی ترین حق شهروندی که متکی است به رای دادن در صندوقها، بدون جنگ و زور، بدون ترور و بمب، دارند در باره آینده سرنوشت خود تصمیم میگیرند، که اگر به درستی به پیش رود می تواند اتفاقاً کمک کند به پایان دادن به جنگ و بی ثباتی یکصد ساله اخیر در آن منطقه، به چنین طرفندهای متوسل گردند.

حزب سوسیالیست انقلابی قویا رفتار "شورای امنیت" سازمان ملل و همچنین تهدیدهای ایران و عراق و ترکیه را محکوم میکند و خواهان مقابله و اعتراض جهانی به سیاستهای آنها است.

حزب سوسیالیست انقلابی در کنار عدم اعتماد عمیق خود به احزاب حاکم در کردستان عراق، در کنار نگرانی جدی حول معامله کردن بر سر رای مردم کردستان عراق، با این وجود

کارگران! حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما است، به آن پیوندید!

خوشبختانه رضا شهابی به اعتصاب غذا پایان داد خواهان آزادی فوری رضا شهابی و دیگر زندانیان هستیم

سلام زیجی: ما در حزب سوسیالیست انقلابی در کنار تلاش و حمایت بی دریغ خود از رضا شهابی و فعالین در بند، خواهان پایان دادن به اعتصاب غذایی ایشان بودیم. اکنون که خوشبختانه شاهد همین درخواست اصولی از جانب خود رفقای شرکت واحد هستیم، هر چند بسیار با تاخیر انرا مطرح می کنند، اما مورد حمایت کامل ما است و از اینرو صمیمانه از رفیق رضا درخواست می کنیم فوری به این درخواستها پاسخ مثبت بدهند!

درخواست پایان اعتصاب غذا از رضا شهابی

بنابر آخرین شنیده ها از خانواده آقای رضا شهابی مبنی بر بحرانی تر شدن وضعیت سلامتی جسمانی و به خطر افتادن جان و زندگی ایشان همچنین با توجه باینکه مقام امنیتی در حضور خانواده اش به این کارگر زندانی قول داده که در اسرع وقت به خواسته اش رسیدگی خواهد شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی ضمن درخواست آزادی فوری و بدون قید و شرط و تایید و اجرای همه خواسته های بحق ایشان و محکوم کردن رفتارهای غیر انسانی و پایمال کردن حقوق این راننده زحمتکش و ستم دیده و کوشنده و مدافع حقوق کارگری که به ناچار برای رساندن فریاد دادخواهی و حق طلبی اش به گوش همگان به ویژه مسئولان مربوط، جان و زندگی خویش و خانواده اش را به خطر انداخته و اکنون حیات و سلامتی اش به مرزهای بسیار خطرناکی رسیده است؛ مصرانه می خواهد هر چه زودتر به اعتصاب غذایی خود پایان دهد و همسر و فرزندان و خانواده و همکاران و دوستداران خود را از دلهره و نگرانی شدید بیرون آورد.

با آرزوی تندرستی و بهبودی جسمانی رضا شهابی و پایان رنج و سختی و پایمال شدن حقوق همه کارگران و زحمت کشان در ایران و سراسر جهان و با پاسداشت و سپاس از همه آنانی که در دفاع از آقای رضا شهابی جانانه کوشیده اند!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۹۶/۰۷/۰۴

<https://t.me/vahedsyndica>



دست او باش جمهوری اسلامی از سر کارگران کوتاه!



مردمان کشورهای مختلف یا انسان های هم سرنوشت؟ (در محکومیت رفتار ضد انسانی با دانش آموزان افغانی در شهر شاهدهیه در یزد)

عزیز عبدالله پور

در زیر کنترل یکی از وحشی ترین حکومت‌های اسلامی می‌خواهند به زندگی نرمال خودشان، با آداب و رسوم و فرهنگ و حتی زبان مادری و منطقه ای خودشان به مدرسه

بروند و کار و زندگی کنند. اما همواره مورد سرکوب، تحقیر، سپردن کار های سخت به آنها، دادن دستمزد به مراتب کمتر، و مجبور کردن بخشی از آنها به تن دادن به شراکت در جنگ ها ارتجاعی در جایی مانند سوریه روبرو شده اند.

ما کمونسیت ها همراه با مردم آزادی خواه و برابری طلب ایران باید در مقابل هر نوع ممنوعیت رفتن بچه های افغانی به مدرسه که حق هر انسانی است به ایستیم. در اعتراض به این فشارها به پناهندگان افغان و بستن درب مدرسه از آنها و برای دفاع از حق بچه های آنها به خیابان ها برویم و اعتراضاتی علیه چنین اقدامات زشت و ناپسند و غیر انسانی سازمان دهیم و صدای اعتراض خود را به گوش همگان رسانیم. در افشای سیاست و حرکت ضد انسانی و تفرقه افکنانه در میان مردمانی که در ایران بسر میبرند و زندگی می کنند بایستیم و جلوی احزاب فاشیست و ناسیونالیست ایران را بگیریم و ترفندهایشان را خنثی و سیاستهای ضد انسانییشان را افشا نمائیم .

مدرسه رفتن حق اولیه همه بچه ها اعم از افغانی، فارس، کرد، لر، بلوچ، عرب، یا آذری زبان است. هیچ دولت و حزب و جریان و شخصی به هیچ بهانه ای نمیتواند و نباید امکان پیدا کنند که موانع برای یادگیری و تحصیل بچه ها از جمله فرزندان افغانی را درست کنند و مانع تراشی کنند. فرهنگ خارجی ستیزی فرهنگ عادی اکثریت ساکنین ایران نیست، اما همیشه تعدادی مرتجع و متأثر از فرهنگ دولت حاکم پیدا میشوند که فضا را آلوده کنند. مردم آزادیخواه و متمدن و برابری طلب امروز باید با همبستگی خود، برای همیشه تکلیف خودشان را با بی فرهنگی سیاسی و اجتماعی که ارتجاعی حکومت اسلامی و جریانات فاشیستی بزر آنرا کاشته اند روشن کنند و ترد شان نمایند. ضروری است که جامعه فرهنگ مدرن و انسانی خود را که برای حقوق و آزادی هر انسانی احترام قائل است، جایگزین فرهنگ عقب مانده و کپک زده خرافات فاشیستی، اسلامی و ناسیونالیستی کند.

ننگ بر فرهنگ الهام گرفته از جمهوری اسلامی و احزاب فاشیست.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد انقلاب سوسیالیستی!

چند روز پیش تعدادی انسان مستاصل و آموزش دیده دست قوانین و سنن جمهوری اسلامی و فرهنگ قبیح ناسیونالیست ایرانی از اهالی شهر شاهدهیه در یزد با " اختصاص مدرسه‌ای به دانش‌آموزان افغان مخالفت کرده و با تجمع در مقابل آن، این مدرسه را در آغاز سال تحصیلی به تعطیلی کشاندند".

عبدالحمید صابری، از مدیران آموزش و پرورش یزد، درباره دلیل مخالفت اهالی شاهدهیه یزد با مدرسه دانش‌آموزان افغان گفته آنها به "رفتارهای کودکانه ای" که این دانش‌آموزان انجام می‌دادند، که خودمان هم داریم، اعتراض داشتند و می‌آمدند به آموزش و پرورش که اینها را نزدیک منازل ما آوردید و مهاجران افغانستانی که از سایر محله‌ها هم، می‌آیند اینجا و تجمعشان بیشتر شده است." بدین ترتیب به رفتار "کودکانه" که "خودشان هم دارند" اعتراض کرده اند. در اوج بی مسئولیتی درب مدرسه دانش‌آموزان که محکوم اند به "افغانی بودن، بسته اند. اقدامی که فقط در شان یک مشت فاشیست بر می آید. فرهنگ راجی که متأسفانه بارها و بارها در برخورد به کارگران و به مردم محلات نشین افغانی و حتی در ممنوع کردن آنها در ورود به پارکها در ایران تحت حاکمیت رژیم فاشیست - ناسیونالیست - اسلامی ایران، علیه آن شهروندان بی دفاع افغان بکار رفته است.

در هر کشوری بنا به خصلت حاکمیت و دولتشان یک تعداد انسان و احزاب فاشیست و ناسیونالیست پیدا می شوند که با سیاست تفرقه و جدایی انداختن در میان ساکنان کشور، و ایجاد هرج و مرج و تبلیغات مسموم و ارتجاعی می خواهند که سر عده ای دیگر را زیر تیغ و شمشیر ببرند و آنها را شهروند درجه دوم معرفی نمایند. کارگزاران جمهوری اسلامی در ایران هر چه که منفی است را به پناهندگان و آوارگان افغانی و بچه هایشان می چسبانند. درب مدارس بچه های افغانی را می بندند، آنها را کثیف معرفی می کنند، تحقیر هر روزه آنان در مدارس، محل زندگی و محل کار آنها را عده ای به شغل شریف خود تعریف می کنند و به غیر انسانی ترین وجه با انسانهای که تمام زندگی خودشان را از دست داده اند، کشته داده اند، زندانی کشیده اند و به اجبار وارد جنگ شان کرده اند، مجبور به کوچ اجباری شده اند. که نه جنگ، جنگ آنها بوده و نه خود خواهان کوچهای اجباری و تن دادن به این روش زندگی تحقیر آمیز در جایی مثل ایران بوده اند.

اگر این دولتها و سازمان ها و احزاب ناسیونالیست و فاشیست می خواهند از بی فرهنگی سخن به میان آورند، نخست باید از خودشان، سازمان و حزبشان و حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی نازنینشان شروع کنند. امروز در ایران بیشتر از یک میلیون آواره جنگی، پناهنده سیاسی و اجتماعی کشور افغانستان در شرایط بسیار سختی دارند زندگی میکنند.

دست مذهب و ارتجاع از زندگی زنان کوتاه!

گزارش تصویری از فعالیتهای تبلیغی فعالین حزب در ایران

نشریه شنبه‌ها منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار مقالات در نشریه سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

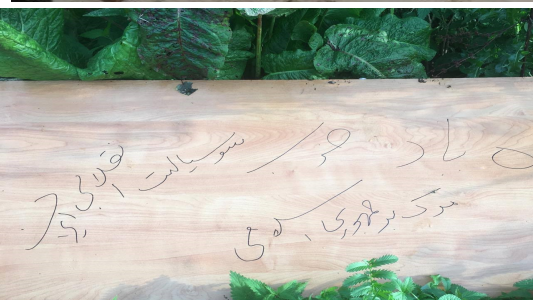
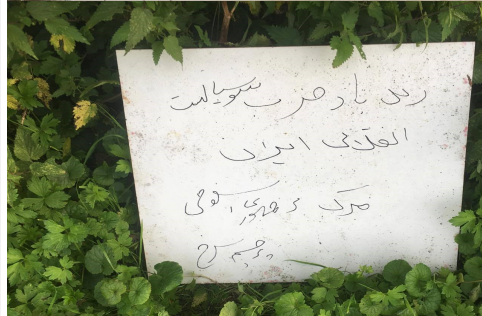
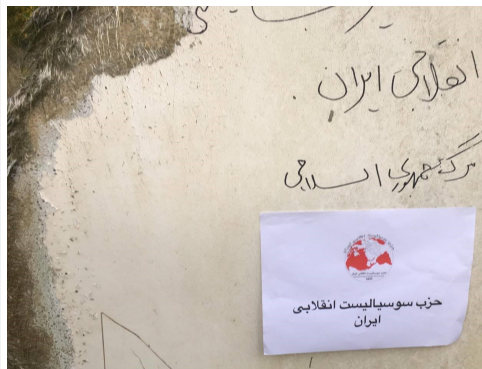
S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلام کمک فوری خواهد کرد.



	iransocialist2017@gmail.com	www.simroz.org	
	۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ /	۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ /	۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان برشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیت‌انگیزه و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهب‌پسند ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میدانی شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

اخراج و بیکارسازی موقوف!